



۱۱

## آشتی سنت و مدرنیته در تیمچه حاجب الدوله

## دست رد به ویلای فرح

امروز سی و یکمین سالمرگ شاعر تبریز  
و روز ملی شعر و ادب فارسی است

۱۰

## تقدیر کشاورز از گروه گیتی

۱۰



# فرهنگ

چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۸۱



### چهره هفته

علی مصفا به فیلم تازه  
داریوش مهرجویی پیوست

### همکاری بعد از ۲ دهه

اهل حاشیه و سر و صدا به پاکردن نیست. حدود سه دهه است که به‌عنوان بازیگر در سینما فعالیت دارد و در کنارش تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی را هم تجربه کرده است. هر چند او و همسرش لیلا حاتمی را زوج‌های بی‌حاشیه سینما می‌دانند، اما لیلا چند سال پیش درگیری تندی با خبرنگاران پیدا کرد که ماجرایش تا مدت‌ها ادامه داشت، اما علی مصفا تقریباً بی‌حاشیه مانده و در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی متعددی بازی‌های خوبی ارائه کرده است. روز گذشته خبری درباره فعالیت تازه این بازیگر منتشر شد که حکایت از حضور او در تازه‌ترین فیلم داریوش مهرجویی، کارگردان سینما داشت. قرار شده مصفا در «لامینور» مهرجویی در کنار علی نصیریان، سیامک انصاری، پردیس احمدیه، مهرداد صدیقیان، عزت‌الله رمضانی‌فر، کاوه آفاق و پردیس احمدیه بازی کند. نویسندگی این فیلم کار مشترک وحیده محمدی‌فر و داریوش مهرجویی بوده و تهیه‌کنندگی‌اش را هم رضا درمیشیان کارگردان جوان سینما بر عهده دارد. البته سینماپازها حتماً می‌دانند که این اولین همکاری مهرجویی و مصفا نیست و آنها قبل‌تر هم در فیلم‌های سینمایی پری، لیلا، دختردایی گمشده، میکس و آسمان محبوب با یکدیگر همکاری کرده‌اند و لامینور ششمین تجربه آنها خواهد بود.

آخرین این تجربه‌ها یعنی آسمان محبوب در سال ۱۳۸۸ انجام گرفته که یک دهه از آن می‌گذرد. یک دهه‌ای که اغلب ساخته‌های مهرجویی با انتقادات زیادی همراه شده و تقریباً توفیق چندانی برای مهرجویی دربر نداشته است. البته به نظر می‌رسد حواشی پیش آمده چندان برای این کارگردان قدیمی که در جوانی تجربه‌های موفق بسیاری داشته، اهمیتی ندارد و او به مسیر خود ادامه می‌دهد. با این اوصاف نمی‌توان مطمئن بود این تجربه بتواند مانند تجربه‌های دهه ۷۰ و ۸۰ برای مصفا، فرصت بازی در فیلمی را ایجاد کند که موفق و تأثیرگذار باشد. البته نصیریان هم پیش‌تر پنج همکاری با مهرجویی داشته است، گاو، آقای هالو، پستیچی، دایره مینا، مدرسه‌ای که می‌رفتیم حاصل همکاری‌های مشترک نصیریان و مهرجویی است که آخرین آنها در سال ۱۳۵۹ انجام شده، یعنی حدود چهار دهه پیش. پس می‌توان تمام نکاتی را که درباره همکاری مصفا و مهرجویی بیان شد، درباره همکاری این کارگردان با نصیریان هم به میان آورد. البته اینها همه در حد احتمال و اما و اگر است، شاید هم این بار در فیلم تازه مهرجویی اتفاقاتی بیفتد متفاوت با آنچه در یک دهه گذشته در کارنامه فعالیت‌هایش ثبت کرده است.



مهدی طالقانی در سالگرد فوت پدرش و درواکنشی  
به اظهارات اخیر یکی از فرزندان آیت‌الله طالقانی  
در شبکه ماهواره‌ای وابسته به سعودی‌ها

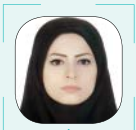
## هیچ يك از ما

## سخنگوی پدرمان نیستیم



### سعادتعلی سعیدپور، کارگردان مستند «پرواز تا بی‌نهایت» از شهریار می‌گوید

## از شهریار اسطوره نساختم



سازان قنبری  
سینما

امروز سالروز درگذشت بزرگمردی از ادبای این سرزمین است، مردی که در شعر و سخن بیانی شیرین داشت، تاجایی که امروز برخی اشعارش به ضرب‌المثل‌هایی در زبان فارسی تبدیل شده است. مستند «پرواز تا بی‌نهایت» روایتی است از زندگی استاد محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به «شهریار» که بارها از شبکه‌های تلویزیونی پخش شده. سعادتعلی سعیدپور از مستندسازان آذری‌زبان پس از ساخت چند مستند جنبه‌های مختلف زندگی شهریار را محور این مستند قرار داده که در آن از نظرات شاعران و ادبای برجسته‌ای بهره برده است. مشروح این گپ و گفت با سعادتعلی سعیدپور را در ادامه می‌خوانید.

**روود به عرصه تحلیل و مستندسازی درباره چهره‌های فرهنگی و ادبی معاصر بعضاً تبعات و هزینه‌های سنگینی دارد، شما چطور اصطلاحاً ریسک این قضیه را پذیرفتید و به‌رغم هزینه‌های سنگینی که برای شما وجود داشت، به این موضوع ورود کردید؟**

در رابطه با پرتره سازی در مستند باید بگویم که در آن حتماً باید حریم خصوصی شخصیت‌ها (اعم از سیاسی، فرهنگی، مذهبی، ورزشی و...) حفظ شود و ملاحظات زیادی در کار فیلمساز را مشکل می‌کند. در واقع نزدیک شدن به حریم شخصی افراد و این‌که چه مسائلی را بازگو کنی و چه مسائلی را نکنی سخت است. در ارتباط با استاد شهریار از آنجا که شاعر بودند کشمکش‌هایی در ارتباط با ایشان نزد ادبا وجود داشت. با این توضیح که بعضی از ادبا معتقدند روز درگذشت استاد که به عنوان روز ملی شعر و ادب فارسی در تاریخ ثبت شده، درست نیست. چون طبق معیارهای ادبی و فنی خودشان، استاد شاعر ملی ایران نیستند.

**چرا این نظر وجود دارد؟**

ببیند من فیلمساز هستم و محقق این مستند، شخصی بودند فعال در حوزه ادبیات. در نهایت از برآیند تحقیقاتم به نظر رسید که بعضی از ادبا شاید به لحاظ تخصصی، شاید فنی و غیره استاد را شاعری ملی نمی‌دانند، اما محور اصلی من در مستند ملی بودن استاد شهریار است. به همین دلیل در این مستند سراغ شخصیت‌های شاخص ادبی از جمله یوسفعلی میرشکاک، سلیم نیساری،

میرجلال‌الدین کرکازی، حسین اسرافیلی، علیرضا قزوه و بسیار ادیب دیگر از ایران و کشورهای هندوستان، جمهوری آذربایجان، بنگلادش و تاجیکستان رفتم و آنها بر ملی بودن استاد صحه گذاشتند. **به‌حال داستان شهریار برای خیلی از ادبا در حکم یک قضیه حیثیتی است و فکر می‌کنم کار شما اولین کاری است که به صورت مستقل درباره ایشان ساخته شده. البته قبلاً سریال «شهریار» به کارگردانی کمال‌تبریزی هم درباره ایشان ساخته شده که انتقاداتی هم از طرف فرزندان‌شان به آن وارد بود!**

البته من هم مستندم را مستقل کار نکردم و صدا و سیما مرکز تبریز آن را تولید کرده و من فیلمنامه‌نویس، کارگردان و تهیه‌کننده آن بودم. البته این مستند به پیشنهاد من ساخته شد و من شاید کمی هم به دلیل حسن ناسیونالیستی که دارم، دوست داشتم فیلمی راجع به ایشان بسازم. البته فارغ از بحث آذری بودن، زندگی استاد شهریار واقعا جای کار هم داشت. ابوالفضل علی‌محمدی هم به عنوان محقق و راوی این مستند یکی از چهره‌های برجسته ادبیات ایران و آذربایجان شرقی محسوب می‌شوند و به جرات می‌گویم که فیلم من کاملاً طبق مستندات حقیقی ساخته شده.

سریال شهریار کاملاً متفاوت از مستند من است. مستند پرواز تا بی‌نهایت محورهای گوناگونی از ایشان را مدنظر قرار می‌دهد که حتی پسر استاد (هادی بهجت تبریزی) جزو گفت‌وگوکننده‌های



ضمن این‌که همان‌طور که گفتم زندگی پر فراز و نشیب استاد پرداخت عمیق‌تری را نسبت به آن می‌طلبید. من شهریار را اسطوره نکردم. ایشان نه تنها اشعاری به زبان آذری، بلکه اشعار و غزلیاتی به زبان فارسی هم سروده‌اند که جزو ماندگارترین و شاخص‌ترین‌های این عرصه محسوب می‌شود. استاد طی مدت حیات‌شان دوره‌های مختلف تاریخی، از مشروطه گرفته تا انقلاب اسلامی را دیده بودند و تجربیات ارزشمندی داشتند. مجموع آنچه بر ایشان گذشته بود شخصیت و زندگی‌شان را به‌گونه‌ای خاص کرده بود. ایشان با آن ساده‌زیستی و گوشه‌نشینی فیلمساز آذری‌زبان این دین را بر گردن خود می‌دیدم که در این مسیر گام بردارم.

**و نکته اینجاست که با وجود این‌که زندگی شهریار فصول تاریخی مختلفی را شامل می‌شود، اما در روند پیگیری مستند مخاطب احساس خستگی نمی‌کند!**  
این مستند از زبان ابوالفضل علی‌محمدی به عنوان راوی روایت می‌شود و من تصمیم گرفته بودم فیلم از دیدگاه من، زندگی استاد را به مخاطب نشان دهم و به دقت پیوند موضوعات را رعایت کردم که مخاطب حس شروع، میانه و پایان را کاملاً درک کند و دچار پراکندگی ذهنی نشود.  
**به‌نظر همین دقت در جزئیات باعث شده فیلم نگاهی همه جانبه به زندگی ایشان داشته باشد و به‌خصوص برای**



**نسل‌های بعدی هم کاربرد داشته باشد. شما خودتان به‌گروه منی مخاطبان فیلم هم‌فکر کرده‌بودید؟**  
مخاطب من مخاطب عام بود. پیام فیلم من را هر کسی با هر شغل و جایگاهی می‌تواند به‌خوبی دریافت کند.  
**در واقع مستندی ساختید که در تاریخ به عنوان سند باقی خواهد ماند.**  
بله، همین‌طور است.  
**خودتان کدام شعر شهریار را بیشتر دوست دارید؟**  
من شعر «خان‌ننه» را از ایشان بسیار دوست دارم. استاد در کودکی مادر بزرگ‌شان را از دست می‌دهند و این شعر را در وصف مادر بزرگ‌شان می‌سرایند که واقعا حال و هوای کودکی را برای آدم زنده می‌کند.  
**امروز ما حاصل کارتان را چطور می‌بینید؟**

به‌نظم کار خوبی انجام دادم که بازخورد مناسبی هم بین مخاطبان داشته. این مستند کاری تحقیق است که گروه حرفه‌ای برای آن وقت گذاشتند. خوشحالم که استاد شهریار نه تنها در داخل، بلکه در خارج از مرزهای ایران هم شناخته شده هستند. از مهم‌ترین آثار شهریار منظومه حیدر بابایه سلام (سلام به حیدر بابا) است که از شاهکارهای ادبیات ترکی آذربایجانی به شمار می‌رود. شعر «حیدر بابا»ی ایشان، امروز به چند زبان ترجمه شده و همین نکته نشان از اهمیت و جایگاه شایسته ایشان دارد و در نهایت امیدوارم مراسم روز بزرگداشتی درخور شان ایشان برگزار شود.

مهدی طالقانی در این گفت‌وگو تأکید کرد که حساب و ویزا در آتش جفاست



پشت صفحه مستند پرواز تا بی‌نهایت در خانه شهریار



### به عشق زنده شد تا که جاودان ماند

والا دروغ چرا؟ ما که اهل این شاعرانه‌بازی‌های پاییزی نیستیم و هیچ روی خوشی به خزان نشان نمی‌دهیم، اما به خاطر این کولر بی‌رحمی که کل تابستان، درست بالای سر ما روشن بود و دست و دلبازانه به پس کله ما زمهریر می‌بارید، بسیار خوش می‌داریم این چند روز پرحرار که هم سپری شود تا خودمان را به دست پاییز بسپاریم. با عرض معذرت از محضر زنده‌یاد قیصر امین‌پور، استثنائاً طاقتمان طاق شده و با این‌که سراپا زرد و پژمرده‌ایم، اتفاقاً خیلی هم ناچاریم که دل – البته بیشتر تن – به پاییز بسپریم. در این زمینه و دست‌کم در این لحظه، حس و حالمان موافقت شعری بیشتری با شهریار دارد که می‌گوید: به باغ یاد تو کردم که باغبان گدضا / گشوده پرده پاییز خاطرات انگیز / چنان به ذوق و نشاط آمدم که گویی باز / بهار عشق و شبابست این شب پاییز.

به این سوی چراغ یا شاید هم به آن سوی چراغ ناراحت می‌شویم اگر فکر کنیم، همین‌طور بی‌هوا و بی‌مناسبت و اتفاق، قلم و درواقع کببورد خاك گرفته را به سمت استاد شهریار بردیم. بلکه این عشوۀ‌نگاری را به بهانه سالروز درگذشت این شاعر انجام داده‌ایم که باوجود نظرات مخالف و موافق به عنوان روز شعر و ادب فارسی نامگذاری شده است.



همکار سینمایی‌مان سرکارخانم قنبری، به مناسبت این روز، گویی تلشن را برداشت و رفت سراغ مستندسازی به نام سعادتعلی سعیدی‌پور که فیلم مستندی درباره شهریار ساخته به نام «پرواز تا بی‌نهایت». حاصل این گفت‌وگو را می‌توانید در همین صفحه و بغل گوش همین سطور و ستون بخوانید.



دیگر همکار فرهنگی ما صابر محمدی هم به بهانه روز شعر و ادب فارسی، ضمن نشان دادن مدام عکس‌هایی تماشاچی از استاد شهریار به همکاران گروه، برگ برنده‌ای رو کرد و بخش‌هایی منتشر نشده از یک گفت‌وگوی قدیمی با اصغر فردی، شهریارشناس را تنظیم کرده که حاوی نکته‌هایی جالب درباره برخی شایعات درباره زندگی شهریار همچون عشق افسانه‌ای او و تحصیلات ناتمام در پزشکی است. متأسفانه فردی که پژوهشگر ادبی بود، دیگر در میان ما نیست و سال گذشته بر اثر ایست قلبی درگذشت.



در صفحه ۱۲ اما گزارشی داریم به قلم محمدصادق علیرزاده، دبیر همه فن حریف گروه درباره سنت چهارپایه‌خوانی که از رسوم قدیمی و ریشه دار عزاداری در ایران است. بهانه این گزارش هم، مراسم چهارپایه‌خوانی حاج محمود کریمی، مداح اهل بیت در فضای باز بود که با استقبال عزاداران حسینی همراه بود. این برنامه، قدردانی رهبر انقلاب را هم به دنبال داشت.



صفحه ۱۳ اختصاص دارد به گفت‌وگوی محمدرضا کائینی، پژوهشگر تاریخ با مهدی طالقانی، فرزند مرحوم آیت‌الله طالقانی. بهانه این مصاحبه هم سالروز درگذشت آیت‌الله طالقانی است که همین چند روز پیش بود.